آرى، [آن دشمن حق‌] اندیشید و سنجید. (18) کشته بادا، چگونه [او] سنجید؟ (19) [آرى،] کشته بادا، چگونه [او] سنجید. (20) آنگاه نظر انداخت. (21) سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید. (22) آنگاه پشت گردانید و تکبّر ورزید، (23) و گفت: «این [قرآن‌] جز سحرى که [به برخى‌] آموخته‌اند نیست. (24) این غیر از سخن بشر نیست.» (25) زودا که او را به سَقَر در آورم. (26) و تو چه دانى که آن سَقَر چیست؟ (27) نه باقى مى‌گذارد و نه رها مى‌کند. (28) پوستها را سیاه مى‌گرداند. (29) [و] بر آن [دوزخ‌]، نوزده [نگهبان‌] است. (30) و ما موکّلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم، و شماره آنها را جز آزمایشى براى کسانى که کافر شده‌اند قرار ندادیم، تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند، و ایمان کسانى که ایمان آورده‌اند افزون گردد، و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند، و تا کسانى که در دلهایشان بیمارى است و کافران بگویند: «خدا از این وصف‌کردن، چه چیزى را اراده کرده است؟» این گونه، خدا هر که را بخواهد بیراه مى‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت مى کند، و [شماره‌] سپاهیان پروردگارت را جز او نمى‌داند، و این [آیات‌] جز تذکارى براى بشر نیست. (31) نه چنین است [که مى‌پندارند!] سوگند به ماه، (32) و سوگند به شامگاه چون پشت کند، (33) و سوگند به بامداد چون آشکار شود، (34) که آیات [قرآن‌] از پدیده‌هاى بزرگ است. (35) بشر را هشداردهنده است. (36) هر که از شما را که بخواهد پیشى جوید یا بازایستد. (37) هر کسى در گرو دستاورد خویش است، (38) بجز یاران دست راست: (39) در میان باغها. از یکدیگر مى‌پرسند، (40) درباره مجرمان: (41) «چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟» (42) گویند: «از نمازگزاران نبودیم، (43) و بینوایان را غذا نمى‌دادیم، (44) با هرزه‌درایان هرزه‌درایى مى‌کردیم، (45) و روز جزا را دروغ مى‌شمردیم، (46) تا مرگ ما در رسید.» (47)